



زندگی مسیح

مطالعه لوقا، باب ۲

پیام خدا به مریم

لوقا، باب ۱، آیات ۳۰ تا ۳۳

فرشته بدو گفت: ای مریم ترسان مباش زیرا که نزد خدا نعمت یافته ای و اینک حامله شده پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی شود و خداوند خدا تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد فرمود و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود

چه پیام شگفت انگیزی فرشته برای مریم باکره آورد او پسر خدا را متولد خواهد کرد. فرشته به او گفت که خدا از قدرت خود روح القدس، استفاده خواهد کرد تا پسر را متولد کند و احتیاج به وجود هیچ مردی نیست. نوزاد عیسی نامیده خواهد شد به معنی (خدا نجات می دهد) چون او آمد تا "مردم را از گناهانشان نجات دهد" متی، باب ۱، آیه ۲۲

تولد عیسی در دو باب اول متی و لوقا ثبت شده است. این باب ها هیچ نکته ای بنا بر وجود عیسی در آسمان پیش از تولدش نشان نمی دهند و این عقیده با کتاب مقدس در مورد تولد عیسی مسیح همخوانی ندارد. زندگی و اعمال عیسی مسیح در اناجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا ثبت شده است در مورد زندگی او از زمان تولد تا تعمید که سی ساله بود چیز زیادی نمی بینیم ولی به ما گفته شده که او به عنوان یک کودک "در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می کرد" لوقا، باب ۲، آیه ۵۲. کتاب مقدس هرگز در مورد مسیح اینگونه نمی گوید که او انسانی کامل پیش از تولد بود که در آسمان زندگی می کرد و این صرفاً عقیده اشتباه بعضی از مردم است.

تعمید عیسی مسیح

عیسی توسط یحیی تعمید دهنده در رود اردن تعمید داده شد. تعمید تنها به معنی پاشیدن آب نیست بلکه غوطه ور شدن کامل در آب را می طلبد. زمانی که عیسی "از آب برآمد" روح القدس را دریافت کرد و صدایی از آسمان شنید "تو پسر حبیب من هستی که از تو خوشنودم" مرقس، باب ۱، آیات ۱۰ و ۱۱

از این طریق خدا موافقت خود را اعلام کرد. مسیح با تعمید گرفتن خود اهمیت تعمید را به ما نشان می دهد پس از تعمید به بیابان رفت جایی که "ابلیس او را تجربه کرد" متی، باب ۴، آیه ۱

آیا عیسی واقعاً توسط ابلیس مورد وسوسه قرار گرفت؟

کتاب مقدس به ما نشان می دهد که وسوسه از ذهن خود ما زاییده می شود. رساله یعقوب، باب ۱، آیات ۱۳ تا ۱۵. هیچ موجود قدرتمند شروری وجود ندارد که باعث وسوسه کردن انسانها شود. پس در بیابان چه اتفاقی افتاد؟ در وسوسه اول به مسیح گفته شده بود که سنگ ها نان خواهند شد. متی، باب ۴، آیات ۲ تا ۴. چون ۴۰ روز چیزی نخورده بود بسیار گرسنه بود عیسی مسیح برای پیدا کردن غذا احتیاج به یک نیروی شیطانی نداشت روح القدس به او داده شده بود، پس می توانست وسوسه شود که آن را آزمایش کند. اما می دانست که قدرت خدا فقط جهت انجام خواسته های خدا به کار برده می شود و کاملاً اشتباه بود اگر برای اجرای خواسته های خود از آن استفاده می کرد. حتی اگر بسیار گرسنه بود.

نگاهی دقیق تر بر دو وسوسه دیگر نشان می دهد که شخص شیطانی وجود نداشت. اگر بخواهیم کلمات را دقیق معنی کنیم مشکلات آغاز خواهد شد. برای مثال در

متی، باب ۴، آیه ۸ و ۹

پس ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داده به وی گفت اگر افتاده مرا سجده کنی، همانا این همه را به تو می بخشم

وسوسه ای از متی، باب ۴، آیه ۸ و ۹: الف هیچ کوهی وجود ندارد که از آن بتوان تمام دنیا را دید، جهان گرد است و چنین جهانی هرگز توسط مسیح قابل رویت نمی بود.

ب: عیسی مسیح کتاب مقدس را خود می شناخت، آگاه بود که جهان به خدا تعلق دارد و هیچ کس دیگری توانایی پیشنهاد مالکیت آن را ندارد. در عهد عتیق می خوانیم:



"زمین و پیری آن از آن خداوند است" مزایر، باب ۲۴، آیه ۱ و "حضرت متعال بر ممالک آدمیان حکمرانی می کند و آن را به هر که می خواهد می دهد." دانیال، باب ۴، آیه ۳۲

در لوقا در مورد این وسوسه ها می خوانیم که پادشاهی جهان به عیسی مسیح "در لحظه ای" داده خواهد شد. لوقا، باب ۴، آیه ۵

این نشان می دهد که وسوسه در ذهن او بود. مسیح می دانست که در پادشاهی آینده خدا قادر خواهد بود بر تمامی جهان حکمرانی کند پس در ذهن خود توانست پادشاهی جهان را تصور کند. استفاده از روح القدس برای تصاحب چیزی که خدا در آینده به او وعده داده بود بسیار وسوسه انگیز بود اما مسیح می دانست که باید از خواسته های پدرش اطاعت کند تا به او کمک کند که بر گناه غلبه کرده و با مرگ خود بر روی صلیب رستگاری را به ارمغان بیاورد.

در وسوسه ای در لوقا، باب ۴، آیه ۹ تا ۱۱ می خوانیم که ابلیس مسیح را به اورشلیم برد. آیا واقعاً مسیح یک موجود شیطانی را از صحرا تا اورشلیم دنبال می کند؟ به خاطر حرف او به بالای هیکل می رود و منتظر وسوسه اش می ماند؟ و سپس می گوید: "گفته شده است خداوند خدای خود را تجربه مکن" لوقا، باب ۴، آیه ۱۲

اگر یک ابلیس واقعی وجود داشت مسیح او را شناسایی کرده و هرگز دنبال او نمی رفت. این وسوسه طبعاً در ذهن او اتفاق افتاده است چون می دانست فرشته های خدا از او محافظت می کنند. پس به این فکر افتاد که انداختن خود از بالای هیکل به سمت پایین روش خوبی برای جلب توجه و اثبات این واقعیت بود که او پسر خداست. این باعث می شد که تعلیم دادنش آسانتر شود اما مسیح می دانست که سوء استفاده از حمایت خدا اشتباه است. پس پیشنهاد ما این است که این وسوسه ها در ذهن مسیح اتفاق افتاد.

لوقا، باب ۴، آیات ۹ تا ۱۱

پس او را بر اورشلیم برده بر کنگره هیکل قرار داد و بدو گفت: اگر پسر خدا هستی خود را از اینجا به زیر انداز زیرا مکتوب است که فرشتگان خود را درباره تو حکم فرماید تا تو را محافظت کنند و تو را به دست های خود بردارند، مبادا پایت به سنگی خورد

مکتوبات از شیطان یا ابلیس به عنوان سنبلی از قدرت ذات انسانی استفاده کرده و وسوسه ای که باعث گناه کردن می شود را به تصویر می کشد. وسوسه مسیح در بیابان نشان می دهد که او نیز همانند ما ذاتی انسانی داشت و دقیقاً همانند ما وسوسه می شد. اما هرگز خود را به وسوسه ها ناخت و گناه نکرد. مسیح هر وسوسه را با کلام کتاب مقدس پاسخ داد. متی، باب ۴، آیه ۴ و ۷ و ۱۰

ما می توانیم از این حرکت درس بزرگی بگیریم باید کتاب را بخوانیم و بگذاریم که پیامش بر ما تاثیر گذاشته برای گرفتن تصمیم درست در هنگام وسوسه ها کمکمان کند.

بشارت مسیح

بعد از تعمید و وسوسه شدنش در بیابان مسیح در "هر شهر و دهی گشته موعظه می نمود و به ملکوت خدا بشارت می داد" لوقا، باب ۸، آیه ۱

بشارت های عمومی او سه سال و نیم طول کشید و با مرگش بر روی صلیب پایان یافت. در آغاز مسیح شاگردان زیادی را به خود جلب کرد (شاگردان به معنای کسانی هستند که از معلم چیزی یاد می گیرند) دوازده نفر از آنها به عنوان شاگردان خاص انتخاب شدند. بعد ها آنها به نقاط مختلف فرستاده شدند تا در امر تعلیم به مسیح کمک کنند و رسولان نامیده شدند (رسول به معنای فرستاده است)

آموزه های مسیح

۱- مسیح مستقیم به مردم می آموخت

در متی باب ۵-۷ موعظه روی کوه بیان شده است که در آن مسیح روش زندگی مورد قبول خدا را به ما نشان می دهد. اولین درسی که مسیح به ما می دهد نیاز به فروتن بودن است. او می گفت: "خوشا به حال مسکینان در روح زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است" متی، باب ۵، آیه ۳

چون عیسی از ملکوت آسمان سخن گفت برخی می پندارند ملکوت در آسمان است. اما کتاب مقدس هرگز در مورد ملکوت در آسمان سخن نمی گوید. آیه ۵ نشان می دهد که پاداش درست کاران بر زمین خواهد بود: "خوشا به حال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد." عبارت ملکوت آسمان فقط در انجیل متی بیان شده و به ملکوت خدا اشاره دارد. متی باب ۱۹ آیه ۲۳ و ۲۴ را ببینید و همچنین متی باب ۸ آیه ۱۱ را با مرقس باب ۱۳ آیه ۲۸ و ۲۹ مقایسه کنید. از ملکوت خدا به عنوان ملکوتی آسمانی یاد شده است. چون زمانی خواهد بود که اراده خدا بر زمین انجام می شود همانطور که همیشه بر آسمان انجام شده است.

در موعظه بالای کوه مسیح به مردم آموخت که:



- باید به دشمنان خود عشق بورزند.
- نباید دشمنان خود را قضاوت کنند.
- نگاه همراه با شهوت و زنا خطاست.
- هر وقت کمکی می کنند باید در خلوت باشد.
- باید با ایمان به خدا زندگی کنند تا به او جلال بخشند.
- نگران امور دنیوی نشوند و به حمایت خدا اعتماد کنند.
- به دنبال پادشاهی خدا باشند و این مهمترین چیز در زندگیشان باشد.

در متی، باب ۷، آیه ۱۳ تا ۲۳ مسیح هشدار داد:

- که فقط تعداد خاصی وارد پادشاهی خدا می شوند. کسانی که اراده او را اجرا می کنند
- افراد زیادی ممکن است در پادشاهی پذیرفته نشوند (حتی اگر ادعا کنند که در نام خدا کارهای زیادی انجام دادند)

۲- مسیح با مثال ها تعلیم می داد

مثل داستانی از زندگی هر روزه است به همراه درسی معنوی. در متی باب ۱۳ مثل های فراوانی در مورد پادشاهی آینده یافت می شود. مسیح با مثال ها سخن می گفت تا شاگردان واقعی اش را از آنانی که فقط به جهت معجزه هایش جلب او شده بودند جدا سازد. آنانی که در جستجوی حقیقت خدا بودند به معنای معنوی مثل های گفته شده توسط عیسی فکر می کردند. اگر می خواهیم یکی از شاگردان واقعی باشیم ما نیز باید در مورد معنای مثل ها بیندیشیم.

۳- مسیح با پیشگویی ها تعلیم می داد

مسیح در مورد نابودی هیکل در اورشلیم و پراکتندگی یهودیان هشدار داده بود همینطور در مورد نشانه هایی که در جهان قبل از بازگشت او اتفاق می افتد نیز سخن گفته بود (درس ۸ را ببینید)

۴- مسیح از طریق روش زندگی خود تعلیم می داد

پسر خدا در اصطبل به دنیا آمد. هیچ خانه ای برای خود نداشت و هیچ زندگی با شکوهی نیز برای خود فراهم نکرد او گفت: "روباهان را سوراخ ها است و مرغان هوا را آشیانه ها. لیکن پسر انسان را جای سر نهادن نیست." لوقا، باب ۹، آیه ۵۸

مسیح با تدریس کتاب مقدس و درمان بیماران به مردم کمک می کرد. او به ما آموخت که چگونه همسایه خود را مانند خود دوست بداریم و همینطور چگونه به دشمن خود محبت کنیم. درست قبل از مرگش پاهای شاگردان خود را شست این کار معمولاً توسط غلامان انجام می شود اگر چه او پسر خالق بزرگ دنیا بود اما همیشه فروتن بود. به مردم خدمت می کرد. مسیح اکثر وقت خود را صرف عبادت پدر آسمانی خود کرد. قبل از انتخاب دوازده شاگرد خاصش تمام شب را دعا کرد. این دعا ها هرگز در ملاء عام نبود. تا ثابت کند چه انسان خوبی است. و با سران مذهبی که اینگونه دعا می کردند مخالفت می کرد. مسیح آموخت: "خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما، همسایه خود را مثل خود محبت نما" متی، باب ۲۲، آیه ۳۷ تا ۳۹

مسیح اینگونه بود او مثالی است از روش زندگی که خدا از ما می خواهد او شخصیت خدا را به ما نشان داد.

معجزات مسیح

عیسی از روح القدس برای اجرای معجزات عظیمی استفاده می کرد. آب را به شراب تبدیل کرد. به روی دریا راه رفت. به هزاران نفر با کمی نان و کمی ماهی غذا داد او از روح القدس نه برای خود بلکه برای کمک به دیگران استفاده می کرد. او از این قدرت هرگز جهت جلب توجه و یا فخر فروختن استفاده نکرد. معجزاتش نشانه ای بودند که او از جانب خداست. معجزات نشان می داند که خدا از طریق مسیح کارهایش را انجام می دهد و مسیح روش او را تعلیم می دهد. اعمال، باب ۲، آیه ۲۲. انجیل پر از معجزات شگفت انگیز در درمان بیماران است. مسیح دلش برای افرادی که رنج می کشیدند می سوخت و به آنها کمک می کرد. او حتی مرده را هم زنده کرد. این معجزات نشانه ای بودند که عیسی مسیح از گناه و مرگ رستگاری را به دنیا می آورد. مرقس، باب ۲، آیه ۱۰

آمادگی برای مرگ

مسیح به همراه سه شاگرد خود به بالای کوهی رفت تا دعا کند. متی، باب ۱۷، آیه ۱ تا ۱۳. همانطور که او دعا می کرد شاگردان به او نگاه می کردند. او "متبدل گشت" (ظواهرش تغییر کرد) صورت و جامه اش می درخشیدند. شخصیت های عهد عتیق موسی و الیاس نیز ظاهر شدند و در مورد نزدیک شدن مرگش به روی صلیب با او سخن گفتند. تمام چیزی که شاگردان دیدند ظاهر جلال یافته عیسی مسیح بود. تصویری از مسیح در پادشاهی خدا. همانطور که به مرگش نزدیک می شد. به پادشاهی خدا نیز امیدوارتر می شد. عیسی مسیح از پیشگویی های عهد عتیق می دانست که مرگش ظالمانه خواهد بود. (برای مثال مزامیر، باب ۲۲ و ۶۹ و اشعیا، باب ۵۳) او به یارانش هشدار داد که عذاب می کشد و می میرد و همینطور به آنان گفت که از مردگان بر خواهد خواست. لوقا، باب ۹، آیه ۲۲. سران مذهبی مسیح را همیشه برای انجام کارهای اشتباه فریب می دادند تا او را مقصر نشان دهند. مسیح از تنفر آنها خبر داشت. آنها دو بار سعی در سنگ سار کردن او داشتند اما "





زمان او هنوز نرسیده بود " زمان مرگ مسیح هنوز نیامده بود اگرچه وقتی " روز های صعود او نزدیک می شد روی خود را به عزم ثابت به سوی اورشلیم نهاد " لوقا، باب ۹، آیه ۵۱ مسیح مرگ خود را پذیرفت و می دانست که این تنها راهی است که مردم می توانند از گناهان خود نجات یابند ولی فقط زمانی می توانست به آنها کمک کند که خودش هیچ گناهی نمی کرد. هر روز با گناه دست و پنجه نرم می کرد. کارهای خود خواهانه و همچنین کارهایی که باعث عذاب دیگران می شد را نمی پذیرفت. خود را موظف کرد که همیشه اراده خدا را بجا آورد او برای ما یک مثال بزرگ به جا گذاشت و به شاگردانش گفت که باید از او پیروی کنند " اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند می باید نفس خود را انکار نموده صلیب خود را هر روزه بردارد و مرا متابعت کند " لوقا، باب ۹، آیه ۲۳. این بدین معنی است که ما باید هر روزه از طریق خدمت به خدا او را متابعت کنیم. یکی از این خدمت ها کمک کردن فداکارانه به دیگران است. در متلی از متی، باب ۲۵ آیات ۳۱ تا ۴۶ مسیح در مورد آینده داوری سخن گفت کسانی که به پادشاهی خدا وارد می شوند به دیگران طوری خدمت کرده اند که انگار به مسیح خدمت می کردند.

خلاصه

مسیح یک مثال شگفت انگیز برای ما به جا گذاشت او شخصیت خدا را به ما نشان داد.

آیاتی برای مطالعه

لوقا، باب ۱، آیه ۳۲

متی، باب های ۵ و ۷

متی، باب ۲۵، آیات ۳۱ تا ۴۶

لوقا، باب ۹

